

تحلیل روند و ویژگی‌های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران با تأکید بر بنیان‌های جغرافیای نظامی

حسین ربیعی^۱، علی محمدپور^۲

پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۰

دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۲۱

چکیده

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که حدود هشت سال به طول انجامید، گستره‌ای به مساحت بیش از ۱۶۰۰ کیلومتر را دربر گرفت و یکی از بزرگ‌ترین جنگ‌های قرن بیستم را رقم زد. پیچیده عملیاتی این جنگ از ویژگی‌های گوناگون جغرافیای انسانی و طبیعی برخوردار بود و انواع مختلف عملیات نظامی در آن انجام گرفت. جدا از گستره جغرافیایی، این جنگ از ویژگی‌های دیگری نیز برخوردار بود؛ در آغاز جنگ، یکی از طرفین در دوران گذار از یک انقلاب مردمی و دیگری در دوران ثبات و آرامش بود. همچنین، در حالی که یکی از طرفین جنگ از پشتیبانی نسبی جهانی برخوردار بود، دیگری همزمان رویاروی بخش زیادی از جامعه جهانی قرار گرفته بود. در این وضعیت، پیروزی نظامی در جبهه‌های جنگ، مستلزم پیروی درست از اصول جنگی، از جمله در نظر گرفتن اصول جغرافیای نظامی بود. بررسی و تحلیل دقیق تر روند جنگ، میزان پیروی روند جنگ از بنیان‌های جغرافیای نظامی را در هر دو جبهه روشن می‌کند. مقاله حاضر، با برشمردن ویژگی‌های عملیات نظامی طرفین جنگ، کاربست اصول کلی جغرافیای نظامی را از سوی هر کدام از طرف‌های درگیر، بررسی و تحلیل کرده است.

واژگان اصلی: جغرافیای نظامی، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، ژئواستراتژی، راهبرد نظامی، جنگ شهرها.

۱. دکتری جغرافیای سیاسی، استادیار دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول).

(رایانامه: Hosseinrabiei@hotmail.com)

۲. دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده نقشه‌برداری سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

مقدمه

جغرافیای نظامی، یکی از زیرشاخه‌های کاربردی دانش جغرافیاست که از گذشته‌های بسیار دور مورد توجه فرماندهان و جنگ‌سالاران بوده است. جغرافیای سیاسی نظامی، ملاحظات سیاسی دیپلماتیک، جامعه‌شناختی، اقتصادی و نظامی را در یک شیوه تمام راهبردی تلفیق می‌کند و به بررسی قدرت نسبی موجود در بین کشورهای مستقل و کشورهای هم‌پیمان می‌پردازد (گلاسنر^۱، ۱۹۸۹: ۱۷). شواهد تاریخی فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد جغرافی‌دانان همواره در کنار فرماندهان جنگی به هدایت و ساماندهی جنگ‌ها مشغول بوده‌اند. البته آشکار است که جغرافیا صرفاً کاربرد جنگی ندارد. تجارب طولانی جنگ‌ها و اجرای طرح‌های نظامی نشان می‌دهد در صورتی که فرماندهان و کارشناسان امور نظامی و مشاوران غیرنظامی از اندیشه لازم برخوردار باشند و اصول و مبانی جغرافیای نظامی و تجزیه و تحلیل مناسب را در طراحی نظامی مورد توجه قرار دهند، برنده میدان هستند (صفوی، ۱۳۸۴: ۳۶). ژنرال واشنگتن در سرزمین‌های مسطح و هموار اطراف یورکتاون و ویرجینیا توانست کرن والیس را در سال ۱۷۸۱ میلادی شکست دهد و برای آمریکا یک پیروزی به ارمغان آورد. ناپلئون با سپاهیان ویلینگتون در اراضی پست واترلو در بلژیک روبه‌رو شد که به شکست سخت ناپلئون منتهی شد. تعجیبی ندارد که در دوران اخیر، بیشتر عملیات نظامی پرهزینه و سنگین، در سرزمین‌های مسطح و یکنواخت و وسیع روسیه که امکان تحرک و مانور نیروهای عظیم و هدایت و رهبری نبرد از هوا به زمین را در مقیاس گسترده و وسیع فراهم می‌آورد، روی داده است (صفوی، ۱۳۸۴: ۴۷).

یکی از بزرگ‌ترین و در عین حال خون‌بارترین جنگ‌هایی که ایران در چند قرن اخیر تجربه کرده است، جنگ هشت ساله‌ای بود که در سال ۱۳۵۹ توسط ارتش عراق علیه ایران طراحی و تحمیل شد و تا سال ۱۳۶۷ ادامه یافت. تا کنون مطالعات بسیاری در مورد ابعاد و زوایای پیدا و پنهان این جنگ انجام شده و نتایج آن در شکل‌های مختلف انتشار یافته است. شاید یکی از ابعاد کمتر شکافته شده این جنگ، بررسی طراحی‌ها و راهبردهای به‌کار رفته از سوی دو طرف درگیر در جنگ و بررسی انطباق یا عدم انطباق عملیات جنگی آن‌ها با شرایط و ویژگی‌های جغرافیای نظامی و راهبردی مرز ایران و عراق است. تحلیل تفصیلی طراحی‌ها و عملیات انجام‌شده در دوران این جنگ، می‌تواند جلوه تازه‌ای از واقعیت عملیات و ابتکارات نظامی طرفین را نمایان کند. با همین هدف، مقاله پیش رو به واکاوی عملیات‌های نظامی مختلف انجام شده ایران و عراق پرداخته است. این پژوهش برای یافتن پاسخ به این پرسش انجام می‌شود: عملیات جنگی طرفین در جنگ عراق علیه ایران، تا چه حد براساس ویژگی‌های جغرافیای نظامی مرز انجام شده و کدام کشور، ابتکار عمل راهبردی بیشتری داشته است؟

1. Glassner

روش پژوهش

این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. محتوای مطالب بر اساس اسناد، گزارش‌ها و بررسی‌های انجام شده درباره جنگ که از منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده، تدوین و در حد ضرورت از نقشه‌ها و جدول‌های مرتبط برای استدلال لازم بهره‌گیری شده است.

تعریف مفاهیم و مباحث نظری

راهبرد و راهبرد نظامی

تعریف عام و حتی قریب به اجماع از واژه «راهبرد» وجود ندارد. راهبرد از ریشه یونانی *Strateia* است که خود از واژه *Strategos* به معنای ژنرال ارتش مشتق شده است. *Strategos* به معنای ارتش و *ago* به معنای هدایت است. بنابراین، واژه مزبور به معنای هدایت ارتش است. از نظر تاریخی نیز *Strategos* عنوان افسران عالی‌رتبه ارتش بیزانس بوده که یک منطقه نظامی-مترادف با یک سپاه نظامی مدرن-تحت فرمان آن‌ها قرار داشته است (فارسی، ۱۳۶۳: ۳۳). در یونان باستان، راهبرد به معنای «فن و هنر ژنرالی» بود. کالج جنگ ایالات متحده در فرهنگ اصطلاحات نظامی خود، هشت تعریف از راهبرد نظامی ارائه داده است. اما واژه راهبرد امروزه به شکل بی‌قاعدگی مورد استفاده قرار می‌گیرد. برخی، راهبرد را خط ترسیم شده روی یک نقشه می‌نامند. برخی دیگر معتقدند راهبرد، بیانگر اهداف ملی است. با این همه، مشکل فقط در معنای لغوی راهبرد خلاصه نمی‌شود؛ این موضوع تنها یکی از مشکلات استفاده شایسته و مؤثر از ضروری‌ترین ابزار حرفه نظامی‌گری است. تنها با فهم دوجانبه از آنچه راهبرد نظامی خوانده می‌شود، می‌توان درک راهبردی درستی داشت. دستیابی به توافق عمومی در مورد یک رهیافت مفهومی از راهبرد نظامی، نیازمند ارائه تعریف واحد، تشریح عوامل اساسی تشکیل‌دهنده راهبرد نظامی و تجزیه و تحلیل چگونگی ارتباط آن عوامل است. تدوین راهبرد نظامی به‌عنوان یک حوزه علمی، نتیجه مستقیم تعمیم تجربیات مربوط به فرماندهی نظامی در دوران آماده‌سازی و اجرای جنگ‌هاست (سوکولوفسکی^۱، ۱۹۸۳: ۷). ستاد مشترک ارتش ایالات متحده، راهبرد نظامی را چنین تعریف کرده است: «راهبرد نظامی عبارت است از فن و علم به‌کارگیری قوای نظامی ملت برای تأمین اهداف سیاست ملی از طریق استفاده از قوای نظامی یا تهدید به‌زور».

1. Sokolovsky

ژنرال ماکسول دی. تایلور در خلال دیدار خود از کالج جنگ ارتش ایالات متحده طی نطقی، راهبرد را شامل اهداف، روش‌ها و ابزار دانست. این مفهوم را می‌توان به‌صورت معادله ذیل بیان کرد: راهبرد برابر است با اهداف (آنچه هر فرد برای نیل به آن‌ها می‌کوشد) به‌علاوه روش‌ها (شیوه‌های عمل) به‌علاوه ابزار (وسایلهایی که از طریق آن‌ها می‌توان به یک هدف دست یافت). این مفهوم کلی را می‌توان به‌عنوان مبنایی برای فرمول‌بندی هر نوع راهبرد نظامی، سیاسی، اقتصادی و ... بر مبنای عنصر قدرت ملی مورد استفاده قرار داد. بنابراین، راهبرد نظامی از سه عنصر اهداف، راه‌ها و ابزارها تشکیل می‌شود. منظور از اهداف، هدف‌های نظامی و مراد از راه‌ها، روش‌های متفاوت به‌کارگیری نیروی نظامی و در حقیقت بررسی اقداماتی است که برای نیل به اهداف نظامی طراحی می‌شود و مفاهیم راهبردی نظامی خوانده می‌شود. ابزار نیز به‌معنای منابع نظامی، نیروی انسانی، قدرت مالی، پول، نیروها، پشتیبانی و غیره است که برای انجام مأموریت لازم است (ازغندی و روشندل، ۱۳۷۸: ۶).

راهبرد نظامی، بخشی از مجموعه‌ای به‌نام راهبرد ملی است. گاهی اوقات بخش نظامی راهبرد ملی به‌عنوان راهبرد نظامی تلقی می‌شود. در این حالت، راهبرد نظامی در بالاترین سطح خود و متمایز از راهبردهای عملیاتی، به‌عنوان اساسی برای عملیات و برنامه‌ریزی نظامی به‌کار گرفته می‌شود. این مقدمات ما را به این نتیجه‌گیری می‌رساند که «راهبرد نظامی مساوی است با حاصل جمع اهداف نظامی و عقاید راهبردی نظامی و منابع نظامی». این رهیافت نظری برای سه سطح جنگ - سطوح راهبردی، عملیاتی، تاکتیکی - قابل به‌کارگیری است، و تشابهات بنیادی بین راهبرد نظامی ملی، هنر عملیاتی و تاکتیکی‌ها را آشکار می‌سازد. راهبرد نظامی دارای دو سطح عملیاتی و توسعه نیروست. راهبردهای مبتنی بر توانایی‌های نظامی موجود، راهبرد عملیاتی نامیده می‌شوند و به‌عنوان پایه اساسی برای فرمول‌بندی طرح‌های ویژه عمل در مقاطع زمانی کوتاه‌مدت مورد استفاده قرار می‌گیرند. این سطح از راهبرد، همچنین به راهبرد بزرگ، تاکتیک و هنر عملیاتی اشاره دارد. راهبردهای بلندمدت ممکن است مبتنی بر برآورد تهدیدهای آتی، اهداف و نیازمندی‌ها باشند. بنابراین، به‌عنوان امری تحمیل شده به‌وسیله وضعیت نیروی جاری تلقی نمی‌شوند.

جغرافیای نظامی

جغرافیای نظامی در سطوح و مقیاس‌های مختلفی کاربرد دارد؛ از تدوین راهبردهای نظامی قدرت‌های بزرگ تا طراحی یک محله کوچک به یک نقطه جغرافیایی مشخص، می‌توان از اصول و

معیارهای جغرافیای نظامی بهره گرفت. در میان محدوده‌های طبیعی موجود، یکی از زیرمجموعه‌های متعددی که بر تأثیر محیط‌های طبیعی و انسانی بر انواع مختلف عملیات‌های رزمی و پشتیبانی و نیز برنامه‌ها، شرح‌ها و خط‌مشی‌های سیاسی - نظامی در زمینه‌های جهانی، منطقه‌ای و محلی متمرکز است، جغرافیای نظامی است. بنابراین، جغرافیای نظامی بر تأثیر عوامل محیط جغرافیایی بر جنگ‌ها اشاره دارد و تأثیر و کاربرد جغرافیای طبیعی و انسانی در طرح‌ریزی‌های عملیاتی یا اجرای عملیاتی را مورد بررسی قرار می‌دهد. عمده‌ترین عوامل جغرافیای طبیعی و انسانی که امور نظامی را به‌طور قطع تحت تأثیر قرار می‌دهند، به شرح جدول ۱ است (کالینز، ۱۳۸۳: ۷).

جدول ۱: عوامل جغرافیایی مؤثر بر جنگ و راهبردهای جنگی

عوامل طبیعی	عوامل فرهنگی - انسانی
روابط فضایی	ریشه‌های قومی و نژادی
توپوگرافی و زه‌کشی	الگوهای جمعیتی
زمین‌شناسی و خاک	ساختارهای اجتماعی
پوشش گیاهی	زبانها و مذاهب
اقیانوسها و سواحل دریاها	صنایع کاربردی خشکی
آب‌وهوا و اقلیم	شبکه‌های حمل و نقل
روشنایی روز و تاریکی	ارتباطات راه دور
جاذبه و خاصیت مغناطیسی	تأسیسات نظامی

روابط فضایی همراه با وجود آب‌های حایل و وضعیت آن‌ها به احتمال قوی، اصلی‌ترین عوامل جغرافیایی‌اند که با مکان، وسعت و شکل مناطق زمینی ارتباط دارند. عوارض طبیعی، صحنه‌هایی را به وجود می‌آورند که روی آن‌ها می‌توان عملیات چشمگیر نظامی را در خشکی‌ها به‌نمایش گذاشت. ناهمواری، زه‌کشی، الگوها، زمین‌شناسی و خاک، از جمله موضوعات مرتبط با عوارض طبیعی‌اند. زمین‌های مرتفع، زمین‌های مسطح و فرورفتگی‌ها، هر یک به‌شکل خاصی بر قابلیت‌های نیروهای زمینی و هوایی تأثیر می‌گذارند که قابلیت اجرای مانور آزادانه، هدف‌یابی، استفاده مؤثر از قدرت آتش، هدایت عملیات غیرنظامی، عملیات هماهنگی و تأمین پشتیبانی لازم در سطوح تاکتیکی عملیاتی و راهبردی، از آن جمله است. راهبردهای زمین‌شناسان بلندپایه به کوه‌ها، دره‌ها، فلات‌ها و جلگه‌های پست توجه

می‌کنند. سربازان خط‌مقدم که به‌جای تصاویر کلی، از امور مربوط با جزئیات آن‌ها سروکار دارند، نظرات کاملاً متفاوتی دارند. تپه‌های کوچک، آب‌گذرها، بستر و کرانه‌های رودخانه‌ها از دیدگاه آن‌ها بسیار مهم‌تر است (کالینز، ۱۳۸۳: ۶).

کارایی عملیات نیروی زمینی در شیب‌های تند زمین، بستگی به مهارت حرفه‌ای و انواع حمل‌ونقل بار دارد. حمل‌ونقل ریلی، بهتر از خودروهای سنگین برای عبور از اراضی شیب‌دار است. چنانچه فراز توپوگرافی و فراز نظامی به‌طور تصادفی بر یکدیگر منطبق شوند، همه نقاط و نواحی با اهمیتی که در شیب‌های سخت قرار دارند، به‌راحتی قابل رؤیت خواهند بود. بنابراین، ناهمواری‌ها و سرزمین‌های به نسبت هموار و مسطح، هر کدام نقشی در جنگ‌ها برعهده می‌گیرند. در عملیات نظامی، دره‌های بسیار بزرگ و باریک و تنگه‌های مخوف، از موانع با اهمیت به‌شمار می‌روند؛ ولی تعداد آن‌ها نسبت به انواع غارهای بزرگ و کوچک در بعضی مناطق کوهستانی که در پیشبرد اهداف نظامی تأخیر ایجاد می‌کنند، ناچیز است. اگر نیروهای دشمن بتوانند به ارتفاعات مشرف بر حوزه‌های آبگیر و رودخانه‌هایی که با اراضی شیب‌دار احاطه شده‌اند، دست یابند، همه نیروهای مستقر در عمق را در معرض آتش مهلک قرار می‌دهند (<http://www.ngdir.ir>).

خصوصیات خاک، تأثیر مستقیم بر تحمل عبور و مرور و حمل‌ونقل سنگین (تریلرها، تانک‌برها و ...) و سبک (انواع خودروهای سواری) دارد. تحرک در جاده‌های فرعی در اراضی دارای شن و ریگ، پیوسته میسر است؛ در حالی که حرکت در اراضی باتلاقی و لجن‌زار غیرممکن است و تنها برخی از خودروهای آبی - خاکی کوچک می‌توانند در این نوع سرزمین‌ها تحرک داشته باشند.

ویژگی‌های فرهنگی و انسانی از نظر نظامی اهمیت دارند؛ مواردی از قبیل هوش فطری، زبان‌ها، گویش‌ها، میزان سواد، آداب و رسوم، باورها، عرق و احساس ملی، نظر مردم نسبت به خارجی‌ها (بی‌تفاوت، احساس احترام، اظهار نارضایتی، اعلام دشمنی)، انضباط، روحیه، خُلق و خو(منفعل یا تهاجمی)، شیوع بیماری‌های بومی و نیز ایجاد رابطه میان گروه‌های نژادی، قومی، طایفه‌ای و مذهبی، درخور توجه ویژه‌ای است. اهمیت روان‌شناختی بالای این مسئله از برخی نمادهای فرهنگی نشأت می‌گیرد. زمان، فاصله و اشکال متفاوت حمل‌ونقل، نه‌تنها تعیین‌کننده کیفیت جابه‌جایی سریع نیروها از یک مکان به مکان دیگر است، بلکه بر توانایی عملکرد مؤثر و سریع آن‌ها پس از ورود به محل مورد نظر، تأثیر می‌گذارد (کالینز، ۱۳۸۳: ۲۸). بنابر این، از جنبه فرهنگی، راهبردها، کارشناسان و فنون نظامی باید روابط نژادی، قومی و قبیله‌ای را در مناطق جنگی مطالعه کنند؛ زیرا علل ریشه‌ای و

عوامل بالقوه تشدید کشمکش‌ها، اقدامات متقابل و احتمال موفقیت با توجه به موقعیت، از مکانی به مکان دیگر و از موردی به مورد دیگر متفاوت است. مردم در بالای فهرست ملاحظات فرهنگی قرار دارند و از این رو، مستحق توجهات بیشتری در برنامه‌های سیاسی - نظامی‌اند.

برخی از اماکن، مثل زیارتگاه‌ها، قبرستان‌های ملی، اماکن مذهبی و حتی تمامی یک شهر، از نظر روان‌شناسی اهمیت به‌سزایی دارند و باید قبل از دست زدن به هرگونه عملیات، آن‌ها را مورد توجه دقیق قرار داد.

منابع طبیعی، کاربری زمین‌ها و صناعی که زیربنای توانایی‌ها و استعداد‌های رزمی و نیروی مقاومت و ایستادگی نیروهای خودی و نبرد دشمنان را مشخص می‌کنند، نقشی اساسی در امنیت دارند. غذا، اساس ایستادگی و شکست‌ناپذیری را تشکیل می‌دهد و تهیه مواد اولیه و امکانات و تبدیل آن‌ها به کالا و وسایل مورد نیاز، از جمله ضروریات دیگر است. عناصر سازنده اصلی عبارت‌اند از: کشاورزی، دامپروری و شیلات، معادن و فلزات، نفت، نیروی الکتریسیته و هسته‌ای، امکانات آبی، ساخت کارخانه‌ها، کارخانه‌های سنگ، آجر، چوب‌بری و دیگر مواد ساختمان‌سازی. امروزه در جهان، تنها چند کشور وجود دارند که از توان و ظرفیت اقتصادی لازم برخوردارند و هیچ کدام از کشورها کاملاً خودکفا نیستند تا بتوانند همه نیازهای خود را برطرف کنند. لذا منابع خارجی برای مقاومت و ایستادگی و درجه کنترل بر آن‌ها از نظر جغرافیایی اهمیت به‌سزایی دارند. فاصله زیاد بین پایگاه‌های داخلی و مناطق عملیاتی، فرصت اقدام به‌هنگام نیروی نظامی را در مواقع اضطراری کاهش می‌دهد. نیروهایی که مکان‌های جغرافیایی برتر را در زمین یا فضا تسخیر می‌کنند، به بهترین شکل ممکن می‌توانند به اهداف مختلف فعلی یا آتی خود دست یابند. مطلوب‌ترین موقعیت‌ها گاهی ممکن است به بزرگی یک کشور و گاهی به کوچکی نقطه‌ای باشد که روی نقشه‌های تاکتیکی بزرگ‌مقیاس تعیین می‌شود.

وسعت، یکی دیگر از شاخص‌های جغرافیایی مهم در عملیات نظامی است. یک منطقه عملیاتی که کیلومترها وسعت دارد، فضایی را برای نیروهای نظامی فراهم می‌آورد تا به مانورهای تهاجمی یا تدافعی اقدام کنند و بتوانند مراکز فرماندهی، یگان‌های نظامی، بنادر، فرودگاه‌ها، تأسیسات لجستیک و دیگر اهداف ثابت و متحرک خود را به‌شکل مناسبی پراکنده سازند (کالینز، ۱۳۸۳: ۳۴).

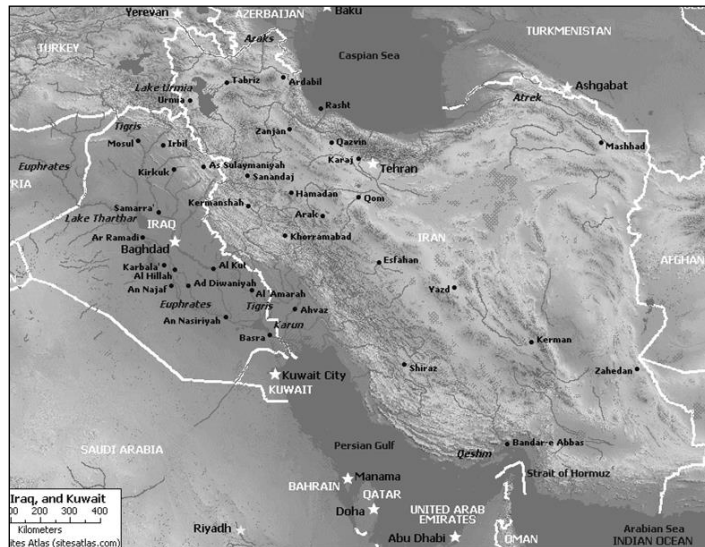
شبکه‌های حمل و نقل، توانایی‌های دولتمردان و فرماندهان را برای به‌کارگیری و پیاده کردن نیروها در گوشه‌وکنار جهان، افزایش یا کاهش می‌دهند. جاده‌ها، خطوط ریلی، آبراهه‌ها، فرودگاه‌های نظامی و بنادر که در ترکیب مناسب و درستی با هم موقعیت یافته باشند، سبب سهولت مانور در جابه‌جایی نیروها می‌شوند؛ به‌نحوی که می‌توان از پایگاه‌های دور به‌سرعت نیرو فرستاد. راه‌های زمینی، دریایی و هوایی، سبب محدودیت و بازدارندگی توانایی‌ها می‌شوند و هزینه دستیابی به اهداف مأموریت از نظر زمان، بالا می‌رود و چه بسا زندگی و حیات نیروی تحت فرماندهی را هم به‌خطر اندازد. کمبودهای شدید ممکن است حتی عملیات ضروری را غیرعملی کند.

به‌طور منطقی باید باور داشت که جغرافیای نظامی روی مسئله رزم و جنگ، همچون گذشته در آینده نیز تأثیر به‌سزایی خواهد داشت. ارزش جغرافیای نظامی در این است که اثرات منطقه عملیات را با شیوه تجزیه و تحلیل فضا و محیط تلفیق می‌کند. در این مقاله نیز همین فرآیند، مدنظر بوده است.

یافته‌ها و اطلاعات

ویژگی‌های جغرافیای نظامی مرزهای ایران و عراق

مرز میان ایران و عراق، ۱۶۰۹ کیلومتر طول دارد که از بندر فاو در دهانه اروندرود شروع می‌شود و تا خط‌الرأس کوه دالامپر بزرگ (محل میله مرزی سه‌گانه ایران-عراق-ترکیه) ادامه می‌یابد. از کل مسافت مرزی میان این دو کشور، حدود ۶۰۰ کیلومتر آن، یعنی از کوه دالامپر بزرگ تا قصر شیرین را ارتفاعات و مناطق کوهستانی تشکیل می‌دهد و خط مرزی در این فاصله، اغلب از خط‌الرأس ارتفاعات عبور می‌کند. از دشت قصر شیرین تا دشت مهران، در حدود ۳۰۰ کیلومتر نیز نوار مرزی از ارتفاعات فرسایش‌یافته می‌گذرد. از دشت مهران تا مناطقی که شاخه‌های رودخانه کرخه وارد نواحی مرزی در غرب بستان می‌شود، مرز به طول ۴۰ کیلومتر از زمینهای گسسته و تپه‌ای عبور می‌کند. از این نواحی تا نهر خین، که شط‌العرب مرز مشترک دو کشور را تشکیل می‌دهد، مرز به طول ۲۲۰ کیلومتر از پهنه‌های باتلاقی و ماندابی رد می‌شود. بقیه طول مرز را از این نقطه تا دهانه اروندرود در ساحل خلیج فارس، به طول ۸۴ کیلومتر، اروندرود تشکیل می‌دهد (نقشه ۱).



نقشه ۱: ویژگی‌های توپوگرافیک مرز ایران و عراق

در مناطق مرزی جنوب شرقی که از حوزه‌های مهم جمعیتی عراق محسوب می‌شود، اکثراً اعراب شیعه سکونت دارند و در مرزهای شمال شرقی و مرزهای عراق با سوریه، کردها و اعراب زندگی می‌کنند که همه آن‌ها دنباله‌ای در آن سوی مرزهای عراق دارند (نامی و محمدپور، ۱۳۸۷: ۳۴۵).

همچنان که در نقشه مشخص است، قسمت‌های شمالی مرزهای ایران و عراق، کوهستانی است و هرچه به مناطق جنوبی‌تر حرکت می‌کنیم، از میزان ناهمواری‌ها کاسته شده، سرزمین‌های پست بیشتر می‌شود. علاوه بر این، در قسمت شمالی و مرکزی، ناهمواری‌ها در داخل ایران است؛ در حالی که سرزمین‌های عراق در این قسمت، صاف و هموار است. از جنبه ویژگی‌های سکونت‌گاهی، شهر بغداد در فاصله بسیار کمی از مرز ایران قرار دارد (حدود ۱۲۰ کیلومتر)؛ در حالی که تهران حدود ۶۰۰ کیلومتر تا عراق فاصله دارد. بیشتر منابع نفت و گاز عراق در نوار مرزی این کشور با ایران قرار دارد. از جنبه انسانی نیز در زمان صدام که اقلیت سنی عرب بر این کشور حکومت می‌کرد، بخش زیادی از نوار مرزی این کشور در اختیار کردها و عرب‌های شیعه بود که دیدگاهی مخالف با حکومت مرکزی داشتند. بنابر این، آسیب‌پذیری کشور عراق در مرزهای ایران، بسیار زیاد و بویژه در نواحی مرکزی و شمالی آن، از نواحی جنوبی بیشتر بوده است؛ به طوری که تصرف یا تهدید این مناطق از سوی ایران (که برای ایران نسبتاً راحت‌تر بود) می‌توانست نگرانی‌های شدیدی برای حکومت عراق ایجاد کند.

راهبردهای جنگی عراق

راهبرد نظامی عراق در جنگ با ایران، به دلیل تغییرات در توازن طرفین، تحولات نظام بین‌الملل، تحولات حاصل در جبهه‌های نبرد و ... هرگز از مشی و روند یکسانی برخوردار نبود. براساس سه شاخص اهداف، روش‌ها و منابع، می‌توان روند تغییرات در راهبرد نظامی این کشور را به شرح ذیل تقسیم‌بندی کرد (درویشی، ۱۳۸۸):

۱. راهبرد تهاجمی ابتدای جنگ (از ۵۹/۶/۳۱ تا ۶۱/۳/۴)؛
۲. راهبرد تدافعی (از ۶۱/۴/۲۳ تا ۶۷/۱/۲۸)؛
۳. راهبرد تهاجمی اواخر جنگ (از ۶۷/۱/۲۸ تا ۶۷/۵/۲۹).

۱. راهبرد تهاجمی عراق

راهبرد تهاجمی عراق از تهاجم سراسری به خاک ایران تا عقب‌نشینی به مزره‌های بین‌المللی را دربر می‌گیرد. این دوره از جنگ، از تاریخ ۵۹/۶/۳۱ آغاز و تا ۶۱/۳/۴ ادامه داشت. راهبرد نظامی عراق در این دوره و طی ۲۰ ماه اشغال خاک ایران از سوی ارتش این کشور، تهاجمی، و امیدوار بود تا از روش‌های گوناگون بتواند به حداقلی از اهداف موردنظر خویش دست یابد. پس از ناکامی در تصرف و اشغال کامل جزیره و شهر آبادان، تقریباً از تاریخ ۵۹/۸/۱۰ ارتش عراق در سرزمین‌های اشغالی خوزستان زمین‌گیر شد و در لاک دفاعی فرو رفت و تا پایان این دوره به نوعی در حال مقابله با عملیات‌های کوچک و بزرگ و منظم و نامنظم رزمندگان ایران بود. به عبارت دیگر، ارتش عراق در این دوره دچار نوعی سردرگمی و بلاتکلیفی بود و بیشتر امیدوار بود از طریق تحرکات سیاسی و فشارهای بین‌المللی به ایران، به امتیازات مورد نظر خویش دست یابد. وفتی سامرایی در کتاب «ویرانی دروازه شرقی»، اهداف نظامی ارتش عراق در آغاز جنگ با ایران را به شرح ذیل برشمرده است (سامرایی، ۱۳۷۷: ۶۲-۵۷):

الف) هوایی: بمباران پایگاه‌های هوایی تهران در مهرآباد، دوشان‌تپه، پایگاه هوایی تبریز، پایگاه هوایی شاهرخی در حوالی همدان و پایگاه‌های هوایی دزفول، بوشهر، شیراز، اصفهان و فرودگاه‌های اهواز، کرمانشاه، سنندج و ارومیه.

ب) زمینی: ۱. تثبیت موقعیت نیروهای عراق در منطقه عملیاتی شمالی و اشغال و کنترل برخی از تپه‌های مهم مرزی در منطقه حاج عمران، ارتفاع ۱۸۶۴ در خاک ایران و منطقه پنجوین و برخی ارتفاعات دیگر در منطقه طویله در شرق سلیمانیه؛

۲. پیشروی در منطقه عملیاتی میانی برای اشغال شهر مهران، گسترش خط حمله به طرف شمال به منظور اشغال تنگه کنجان‌چم به سمت ایلام، اشغال شهرهای سومار و نفت‌شهر و تأسیسات نفتی موجود در نفت‌شهر، اشغال شهرهای قصرشیرین، گیلانغرب و سرپل‌ذهاب و پیشروی به طرف تنگه پای‌طلق برای کنترل این تنگه و تپه‌های کوبه و دانه خشک؛

۳. پیشروی اصلی در منطقه عملیاتی جنوب با هدف اشغال شهرهای دزفول، اهواز، کرانه شرق اروندرود و شهرهای خرمشهر و آبادان و پیشروی به طرف شهرهای شادگان، ماهشهر و در حقیقت، ارتش عراق برای دستیابی به اهداف زمینی، تهاجم گسترده و همه‌جانبه زمینی و برای خشی ساختن توان هوایی ایران، تهاجم گسترده هوایی را در دستور کار خود قرار داده بود؛ ضمن اینکه به همراهی عشایر عرب منطقه خوزستان نیز امیدوار بود. به عبارت دیگر، رهبری عراق بسیار امیدوار بود از طریق دستیابی به اهداف نظامی ذکر شده، رژیم نوپای جمهوری اسلامی را از پای درآورد، و اهداف سیاسی خویش را محقق سازد.

۲. راهبرد تدافعی

این راهبرد که از آغاز تا پایان حضور نیروهای ایرانی در خاک عراق بر تفکر نظامی هیئت حاکمه عراق سایه افکنده بود، در عمل و با توجه به تحولات صحنه جنگ، اشکال و مراحل مختلفی داشت. راهبرد دفاع مطلق و همه‌جانبه عراق (از ۶۱/۴/۲۳ تا ۶۲/۱۲/۳) پس از شکست در عملیات بیت‌المقدس و با اعلام عقب‌نشینی سراسری نیروهای عراقی به مرزهای بین‌المللی، در واقع اعتراف به شکست راهبرد تهاجمی خویش بود که با هدف خلع سلاح ایرانی‌ها در سطح نظام بین‌الملل و رفع نقاط ضعف یگان‌های خود از طریق صرفه‌جویی در قوا، بالا بردن انگیزه سربازان، فراهم ساختن امکان پشتیبانی سریع از نیروهای در خط و ... انجام پذیرفت. راهبرد دفاعی عراق با طرح‌های ذیل به انجام رسید:

کاهش وسعت جبهه جنگ؛ توجه ویژه به مناطق خط یگان‌ها؛ عمق دادن به خطوط پدافندی؛ جلوگیری از دسترسی سریع نیروهای ایرانی به خطوط مقدم عراق؛ تقویت نیروهای احتیاط؛ تعیین مناطق ممنوعه و حیاتی هر یگان؛ اجرای طرح‌های کنترل و مراقبت از تحرکات نیروهای ایرانی؛ افزایش نقش توپخانه؛ دور کردن واحدهای زرهی از خطوط مقدم؛ اقدامات مهندسی براساس ملاحظات دقیق نظامی.

از عملیات خیبر به بعد، توسعه صحنه جنگ به صورت فراگیر و به‌عنوان بخشی از راهبرد نظامی عراق مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در چارچوب مرحله جدید راهبرد دفاعی عراق، گسترش دامنه جنگ از صحنه‌های رزم به مناطق و مراکز بود که به گمان رهبران عراق، موتور پشتیبانی‌کننده نیروهای ایرانی در جبهه‌های جنگ محسوب می‌شد. در راهبرد مزبور، همزمان با ادامه تدابیر دفاعی در جبهه‌های جنگ، سه راهکار برای سد کردن پیشروی نیروهای ایرانی پیش‌بینی شده بود: استفاده وسیع از سلاح‌های شیمیایی، بمباران مراکز اقتصادی و به‌خصوص بمباران پایانه‌های صدور نفت و نفت‌کش‌های حامل نفت ایران و سرانجام، بمباران مراکز مسکونی و به‌خصوص شهر تهران برای تضعیف روحیه مردم ایران و ترغیب آن‌ها برای فشار به مسئولان برای خاتمه جنگ.

عراق به دنبال اتخاذ راهبرد دفاع متحرک (از تصرف فاو در ۶۴/۱۱/۲۰ تا فتح مجدد مهران در ۶۵/۴/۹)، که با هدف خروج از انفعال و با هدف تعیین سرنوشت جنگ انجام شد، اقداماتی به شرح ذیل انجام داد (بررسی‌های نظامی، ۱۳۷۰: ۴۱-۴۰):

۱. آفند در محور چوارتا (۶۴/۱۲/۱۵) به استعداد یک تیپ و چهار گردان کماندویی، که به بازپس‌گیری منطقه عملیاتی والفجر ۹ (در منطقه چوارتا) منجر شد.
۲. آفند در محور پنجوین در منطقه عملیاتی والفجر ۹ (۶۴/۱۲/۲۹) به استعداد یک تیپ پیاده که موفق شد چند قله از ارتفاعات محور پنجوین از جمله شیخ‌گزنشین، میشلان و شیخ‌لطیف را به‌تصرف درآورد.
۳. آفند در محور دربندی‌خان (۶۵/۱/۱۵)؛ در این عملیات ۳ تیپ پیاده و یک گردان زرهی شرکت داشتند و ارتفاعات شاخ شمیران و شاخ سورمر را در این محور به‌تصرف درآوردند.
۴. آفند در محور پیچ‌انگیزه-شهرهانی (۶۵/۱/۱۸)؛ در این حمله، تپه ۱۷۵ شهرهانی به‌تصرف عراق درآمد.
۵. آفند در محور سومار (۶۵/۱/۲۲)؛ عراق در این حمله از چهار تیپ پیاده با سه گردان مستقل، همچنین دو گردان تانک استفاده کرد و بخشی از ارتفاعات سومار شامل اسماعیل‌خان، اورژانس و پاسگاه دوله‌شریف را به‌تصرف خود درآورد.
۶. آفند در محور سیدکان (۶۵/۲/۴)؛ در این عملیات، یک تیپ و تعدادی از یگان‌های جاش شرکت کردند و ارتفاعاتی از جمله سرسول، کرشوان و لولال، در مجموع به وسعت ۲۵۰ کیلومتر مربع به‌تصرف عراق درآمد.

۷. آفند در محور جزیره مجنون (۶۵/۲/۶)؛ در این حمله یک لشکر از ارتش عراق شرکت کرد و ظرف چهار روز فشار و تلاش، توانست ۲۰۰ متر در مواضع نیروهای ایران پیش‌روی کند.
۸. آفند در محور فکه- بجلیه (۶۵/۲/۱۰)؛ در این عملیات که از وسعت بیشتری برخوردار بود، عراق از یک لشکر زرهی و یک لشکر و ۱۰ تیپ پیاده بهره جست و در جبهه‌ای به عرض ۲۰ تا ۲۵ کیلومتر، ابتدا موفق به نفوذ در هفت کیلومتری عمق مواضع ایران شد؛ اما واکنش سریع رزمندگان ایران و ناقص ماندن حرکت دشمن، آنها را مجبور به عقب‌نشینی کرد.
۹. آفند در محور پیچ انگیزه (۶۵/۲/۱۹)؛ عراق در این حمله قصد تصرف ارتفاعات حمزین را داشت، اما مقاومت نیروهای ایران مانع از ابتکار عمل دشمن شد و در نتیجه، با وجود چند روز تلاش و به‌کارگیری استعدادی حدود دو لشکر و ۱۱ تیپ پیاده، مکانیزه و زرهی، تنها ۳۶ کیلومتر مربع از منطقه به‌تصرف ارتش عراق درآمد.
۱۰. آفند در محور حاج عمران (۶۵/۲/۲۴)؛ عراق در این حمله طی ۱۰ روز جنگ سخت، ارتفاعات مهمی چون: ۲۵۱۹ و ۲۴۳۵ را تصرف کرد، اما بر اثر مقاومت نیروهای ایران، نزدیک به ۳۰۰ کشته و زخمی، ۲۰۰ اسیر و همچنین انهدام ۱۷ فروند بالگرد را متحمل شد.
۱۱. آفند در محور مهران (۶۵/۲/۲۶)؛ عراق در این حرکت گسترده با به‌کارگیری هفت تیپ پیاده، دو تیپ زرهی و مکانیزه و یک گردان کماندویی، موفق شد شهر مهران را به‌تصرف خود درآورد.

هجوم نسبتاً موفق عراق به مهران، نقطه اوج این سلسله از تحرکات رژیم عراق بود و با موفقیتی که در این حمله به‌دست آورد، جرأت یافت اتخاذ راهبرد جدیدی موسوم به دفاع متحرک را رسماً اعلام کند.

۳. راهبرد تهاجمی اواخر جنگ

عملیات سپاه در منطقه حلبچه با عنوان «والفجر ۱۰» که در تاریخ ۶۶/۱۲/۲۳ به‌اجرا درآمد، برخلاف انتظار باعث جلب توجه ارتش عراق نشد و این کشور تنها به بهره‌گیری از نیروهای محلی و استفاده گسترده از سلاح‌های شیمیایی اکتفا کرد. شرایط حاصل، فرصت گران‌بهایی را در اختیار ارتش عراق قرار داد تا راهبرد تهاجمی خود را به‌کار گیرد. اقدامات عراق در چارچوب راهبرد تهاجمی جدید، از اواخر فروردین ماه سال ۱۳۶۷ تا پذیرش آتش‌بس توسط عراق در ۶۷/۵/۲۹ با وجود کوتاه بودن مدت، نتایج تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت جنگ به دنبال داشت. عراق طی این مدت کوتاه، نه‌تنها توانست تمامی سرزمین‌هایی را که ایران طی سال‌های ۶۷-۱۳۶۱ به‌تصرف خود

در آورده بود، بازپس بگیرد، بلکه مجدداً و در یک اقدام غیرقابل تصور، تصمیم گرفت دوباره به خاک ایران تجاوز کند تا شاید آنچه در سال ۱۳۵۹ به دست نیاورده بود، اکنون به چنگ آورد. بر همین اساس، راهبرد نظامی عراق در تهاجم دوباره‌اش به ایران، دارای دو مرحله متفاوت از یکدیگر بود که به توضیح بیشتر در مورد آن‌ها پرداخته می‌شود.

راهبرد بازپس‌گیری سرزمین‌های در دست ایران (از ۶۷/۱/۲۸ تا ۶۷/۴/۲۷): در این مرحله که با حمله عراق به مواضع پدافندی ایران در فاو آغاز شده بود و تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از جانب ایران ادامه داشت، نیروهای عراق موفق شدند عملیات‌هایی را به شرح ذیل انجام دهند (بررسی‌های نظامی، ۱۳۷۰: ۴۷-۴۵):

اولین تهاجم عراق، حمله به فاو بود که در ۶۷/۱/۲۸ آغاز شد و ظرف ۳۶ ساعت، با به‌کارگیری وسیع سلاح شیمیایی، موفق شد قبل از حضور جدی نیروهای ایران، این منطقه را به طور کامل بازپس بگیرد.

در ۶۷/۳/۴، تک گسترده و سنگین دشمن به منطقه شلمچه انجام شد و در نتیجه، منطقه آزاد شده عملیات کربلای ۵، مجدداً به تصرف دشمن درآمد.

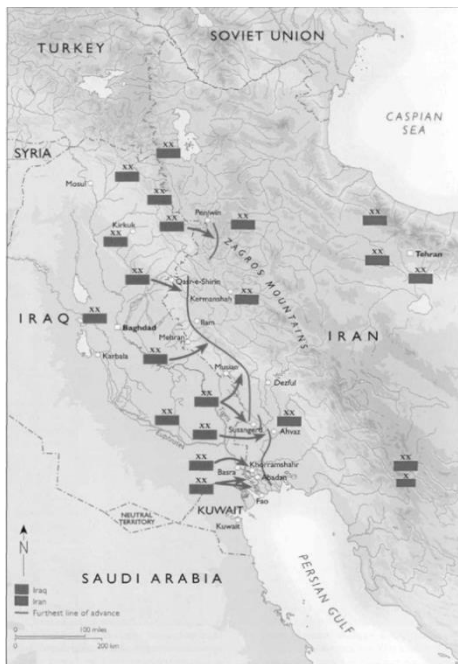
تهاجم بعدی عراق در ۶۷/۳/۲۴ در محور ماووت بود که در نتیجه تلاش هشت روزه و صرف توانایی قابل توجه، موفق به تصرف بخشی از منطقه ماووت شد.

حرکت بعدی عراق در تاریخ ۶۷/۳/۲۹ در محور مهران بود که با استعداد یک لشکر، نیروهایی از منافقین را همراهی کرد و پس از شهر مهران، ارتفاعات اطراف را تصرف نمود و ضمن استقرار در ارتفاعات مهم منطقه از جمله قلعه آویزان، این شهر را به منافقین واگذار کرد.

عراق در تاریخ ۶۷/۴/۴ حرکت گسترده‌ای را در جبهه‌های جنوب آغاز کرد و ظرف مدت کمی، ضمن بازپس‌گیری جزایر مجنون، منطقه‌ای وسیع در شمال کوشک و طلایه، شامل جفیر و ... را نیز به اشغال خود درآورد.

عراق در ۶۷/۴/۷ حرکتی محدود در محور شاخ شمیران انجام داد که با وجود دو روز تلاش، ناموفق ماند.

در ۶۷/۴/۲۱ نیز طی حرکتی گسترده و با نیرویی به استعداد ۱۱ لشکر، منطقه وسیعی را در غرب شوش و دزفول تا دهلران به تصرف خود درآورد.



نقشه ۲: مناطق جغرافیای هجوم گسترده عراق به ایران (کرش، ۲۰۰۲: ۲۶)

عملیات جنگی ایران

عملیات نظامی ایران در آغاز جنگ، دفاع در برابر تهاجم عراق بود و در واقع، ماهیت پدافندی داشت. هدف اصلی از این عملیات، جلوگیری از نفوذ بیشتر ارتش عراق و نیز بازپس‌گیری مناطق اشغال شده آنان بود. بارزترین نمود این نوع عملیات، بازپس‌گیری خرمشهر در سال ۱۳۶۲ بود. البته تا پیش از آن نیز به‌طور کامل جلوی پیشروی ارتش عراق سد شده بود و نیروهای ایرانی، عراق را نه تنها مجبور به اتخاذ راهبرد تدافعی، بلکه وادار به عقب‌نشینی از مناطق تحت تصرف خود کرده بودند.

هنگامی که عراق به ایران حمله کرد، ایران بشدت درگیر مسائل ناشی از دگرگونی‌های عمیق انقلاب اسلامی بود. ایران با مشکلات مختلف و فشارهای داخلی و خارجی متنوعی دست‌وپنجه نرم می‌کرد و از همه مهم‌تر اینکه، امنیت داخلی ایران با بروز ناآرامی‌های مسلحانه در برخی مناطق، در معرض تهدید جدی واقع شده بود.

همچنان که بیان شد در شروع جنگ، لشکر ۱۰ زرهی ارتش عراق توانست طی شش روز، ۸۰ کیلومتر به داخل مرز ایران پیش‌روی، و نیروهایش را در غرب رودخانه کرخه مستقر کند. لشکر

۹ زرهی عراق با تصرف شهرهای بستان و سوسنگرد و ارتفاعات الله اکبر، پیشروی خود را به سمت اهواز ادامه داد. لشکر ۵ مکانیزه عراق بعد از تصرف پادگان حمید، در ۱۵ کیلومتری جنوب غربی اهواز استقرار یافت. با عبور لشکر ۳ زرهی از رودخانه کرخه و قطع جاده آبادان-اهواز، محاصره خرمشهر و آبادان تکمیل شد و سرانجام با ملحق شدن نیروهای تازه نفس لشکر ۱۱ پیاده عراق به نیروهای محاصره کننده درگیر در خرمشهر، این شهر سقوط کرد (دری، ۱۳۸۱).

در پاسخ به این حملات، نیروهای ایران عملیات زمینی، هوایی و دریایی گسترده‌ای را تدارک دیدند که در این قسمت، تأکید عمده مقاله بر عملیات نظامی و جنگ‌های زمینی است. فهرست این عملیات، شامل ۲۸ فقره از مهم‌ترین عملیات زمینی ایران در طول هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است. در جهت شناخت بهتر ویژگی راهبرد نظامی ایران در رویارویی با تجاوز عراق، حملات ایران براساس جبهه عملیاتی به سه دسته جبهه شمالی، میانی و جنوبی دسته‌بندی می‌شوند. مجموعه اطلاعات معرفی شده برای هر عملیات، مشتمل بر: نام عملیات، تاریخ عملیات، منطقه اجرای عملیات و چکیده‌ای از اهداف یا مهم‌ترین دستاوردهای هر عملیات است.

الف) جبهه جنوبی

مهم‌ترین و گسترده‌ترین منطقه عملیاتی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، جبهه جنوبی بود. جبهه جنوبی جنگ، یکی از اصطلاحات مرتبط با جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است که از سوی ارتش عراق و به منظور دسته‌بندی قوای زمینی ارتش برای شروع پیش‌روی در حمله زمینی به خاک ایران مطرح شد. این منطقه، محدوده‌ای از نوار مرزی جنوب غربی ایران را دربرمی‌گیرد که از جنوب مهران شروع می‌شد و تا آبادان و رأس البیشه ادامه می‌یافت. از نظر تقسیمات کشوری، این منطقه شامل استان‌های ایلام و خوزستان است. تمرکز اصلی قوای نظامی عراق در این منطقه قرار داشت. از مهم‌ترین شهرهای هدف عراق در این جبهه می‌توان به دزفول، اندیمشک، اهواز، سوسنگرد، خرمشهر و آبادان اشاره کرد (نگاهی به آغاز تهاجم عراق به ایران، خبرگزاری مهر، ۱۳۸۲/۰۷/۰۳). از دید جغرافیای نظامی، این منطقه برای حمله عراق به ایران مزیت‌های بسیاری داشت. ویژگی‌های جغرافیای طبیعی، جغرافیای انسانی و نیز جغرافیای اقتصادی این منطقه، دلایل بسیاری برای حمله عراق به ایران از این نقطه ایجاد کرده بود. رویارویی نیروهای ایران با عراق در این منطقه، از طریق عملیات‌های زیادی به شرح جدول ۲ انجام پذیرفت.

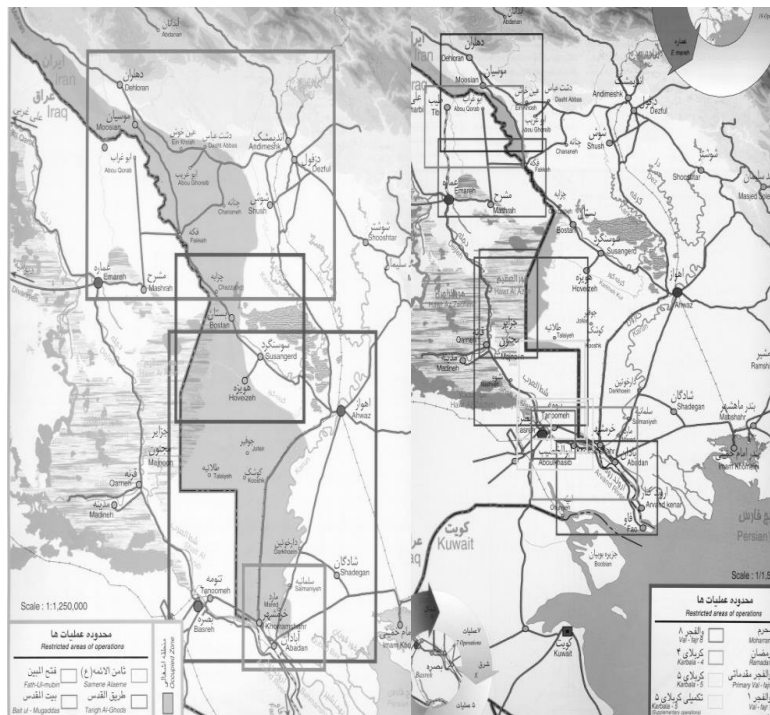
جدول ۲: مهم‌ترین عملیات جنگی نیروهای ایران در رویارویی با تهاجم عراق در جبهه جنوبی

نام عملیات	تاریخ عملیات	منطقه نبرد	اهداف یا نتایج عملیات
عملیات دزفول	۲۳ مهر ۱۳۵۹	غرب پل نادری و رودخانه کرخه، سه‌راه قهوه‌خانه	تثبیت پل نادری و عقب راندن دشمن از قسمتی از غرب کرخه.
عملیات نصر	۱۵ تا ۱۸ دی ۱۳۵۹	هویزه- کرخه کور- دشت آزادگان	نیروهای ایرانی بخشی از شهر خرمشهر را آزاد کردند، ولی به دلیل پیش‌روی ناهماهنگ در محورها، نبود پشتیبانی مناسب و عدم تثبیت مواضع، نیروهای ایرانی عقب رانده شدند.
عملیات توکل	۲۰ دی ۱۳۵۹	شمال آبادان- سه‌راهی ماهشهر	تلاش نیروهای ایرانی در جهت جلوگیری از محاصره آبادان و عبور نکردن نیروهای عراقی از کارون، با شکست روبه‌رو شد.
عملیات ثامن‌الائمه	۵ مهر ۱۳۶۰		بازپس‌گیری ساحل شرقی رودخانه کارون- خارج کردن آبادان از محاصره یکساله- آزادسازی بیش از ۱۵۰ کیلومتر مربع از اراضی اشغال شده ارتش عراق- کلاسیک‌ترین عملیات نیروهای ایرانی در طول جنگ که کاملاً بر پایه اصول نظامی بود.
عملیات طریق‌القدس	۸ تا ۱۵ آذر ۱۳۶۰	شمال و جنوب کرخه- دشت آزادگان	آزادسازی بستان و ۷۰ روستای منطقه و پنیج پاسگاه مرزی- تصرف مناطق الله‌اکبر و تنگه چزابه.
عملیات فتح‌المبین	۲ تا ۱۰ فروردین ۱۳۶۱	غرب کرخه	بازپس‌گیری ۲۵۰۰ کیلومتر مربع از خاک ایران از نیروهای عراقی- آزادسازی جاده راهبردی دزفول تا دهلران- تصرف چاههای نفت ابوغریب در ارتفاعات تینه- اسارت ۱۵۰۰۰ سرباز عراقی.
عملیات بیت‌المقدس	۱۰ اردیبهشت تا ۳ خرداد ۱۳۶۱	خرمشهر- دشت آزادگان	آزادسازی خرمشهر، منطقه هویزه و پادگان حمید- انهدام ۲۰ درصد از ارتش عراق- آزادسازی ۵۰۳۸ کیلومتر مربع از مناطق اشغال شده-عقب‌نشینی گسترده نیروهای عراق از استان خوزستان.

نام عملیات	تاریخ عملیات	منطقه نبرد	اهداف یا نتایج عملیات
عملیات رمضان	۲۲ تیر تا ۷ مرداد ۱۳۶۱	شرق بصره	موفقیت نیروهای ایرانی در محاصره بصره و شکست در نفوذ و تصرف آن شهر.
عملیات محرم	۱۰ تا ۲۰ آبان ۱۳۶۱	موسیان- ارتفاعات مرزی «میال حمیرین» - جنوب شرقی دهلران	تصرف منابع نفتی موسیان و بیات و همچنین حوضچه‌های نفتی زبیدات که مشتمل بر ۷۰۰ حلقه چاه نفتی بود- تصرف جاده طیب به شهرانی- تصرف جاده تدارکاتی بغداد به بصره- رسیدن نیروها به نقطه مرزی به طول ۵۰ کیلومتر.
عملیات والفجر مقدماتی	۱۷ تا ۲۱ بهمن ۱۳۶۱	فکه-چزابه	لو رفتن طرح عملیات توسط نیروهای سازمان منافقین- ناکامی نیروهای ایرانی در تصرف پل غزیه و تصرف شهر العماره.
عملیات والفجر ۱	۲۱ تا ۲۸ فروردین ۱۳۶۲	جبل فوقی - شمال فکه	دستیابی نسبی نیروهای ایرانی به ارتفاعات موردنظر- ضعف فرماندهی نیروهای زمینی به جهت اتکای بیش از حد به واحد توپخانه- ناکامی در الحاق یگان‌ها به یکدیگر بعد از پایان عملیات- عقب‌نشینی نیروهای ایرانی به مواضع قبلی بعد از چند روز.
عملیات خبیر	۳ تا ۲۲ اسفند ۱۳۶۲	هورالهویزه	در محور شمالی عملیات (العزیز) نیروهای ایرانی توانستند خود را به رودخانه دجله رسانده، تردد خودروهای جاده بصره به بغداد را قطع کنند- تصرف دو جزیره مجنون به مساحت ۱۶۰ کیلومتر مربع- تصرف ۵۰ حلقه چاه نفت- استفاده گسترده عراق از سلاح شیمیایی- شروع جنگ نفتکش‌ها.
عملیات بدر	۱۹ تا ۲۶ اسفند ۱۳۶۲	هورالهویزه- شمال بصره	پیشروی کم نیروهای ایرانی در مواضع عراق تا شرق دجله و ناکامی در عبور از آن- ناتوانی آتشباری مناسب نیروهای ایرانی به نیروهای عراق به دلیل کمبود امکانات- عقب‌نشینی از نیمی از مناطق متصرف شده بعد از یک هفته- شروع جنگ شهرها.

نام عملیات	تاریخ عملیات	منطقه نبرد	اهداف یا نتایج عملیات
عملیات والفجر ۸	۲۰ تا ۲۹ بهمن ۱۳۶۴	شبه‌جزیره فاو	تصرف شهر فاو، رأس‌البیشه، جاده فاو تا بصره - قطع دسترسی عراق به خلیج فارس - گسترده‌ترین استفاده از سلاح‌های شیمیایی در طول جنگ از جانب ارتش عراق - اسارت ۳۰۰۰ سرباز عراقی توسط نیروهای ایرانی - تصویب قطعنامه ۵۸۲ شورای امنیت - ساخت پل «بعثت» با استفاده از ۵۰۰۰ لوله بر روی اروندرود.
عملیات کربلای ۴	۳ تا ۵ دی ۱۳۵۶	غرب جزیره مینو - ابوالخصیب	لو رفتن طرح عملیات پیش از آغاز آن - شکست نیروهای ایرانی در تصرف جزایر ام‌الرصاص و ابوالخطیب بعد از ۴۸ ساعت و دستور توقف عملیات توسط فرماندهان.
عملیات کربلای ۵	۱۹ دی تا ۴ اسفند ۱۳۶۵	شرق بصره	تصویب قطعنامه ۵۹۸ - پیشروی ۱۲ کیلومتری به سمت بصره - تصرف ۱۱ قرارگاه ارتش عراق - آزادسازی ۱۵۰ کیلومتر از مساحت ایران - انهدام ۸۱ تیپ و گردان مستقل ارتش عراق - تصرف دریاچه بویان - آزادسازی چهار پاسگاه مرزی ایران.
عملیات بیت‌المقدس ۷	۲۲ تا ۲۵ خرداد ۱۳۶۷	شلمچه	هدف از این عملیات صرفاً تضعیف روحیه و ماشین جنگی عراق در قسمت جنوبی کانال پرورش ماهی بود. نیروهای ایرانی با اولین پاتک عراق، بدون هیچ مقاومتی، به مواضع اولیه خود بازگشتند.

همان طور که جدول نشان می‌دهد، بیشترین تعداد عملیات صورت گرفته در این منطقه، در فاصله آغاز جنگ تا سال ۱۳۶۲ بوده است. از نظر زمانی، این مدت‌زمان همزمان است با راهبردهای اولیه عراق مبنی بر هجوم همه‌جانبه به ایران و دفاع نیروهای ایران از کیان کشور.



نقشه ۳. محدوده برخی از مهم ترین عملیات های جنگ نیروهای ایرانی در جبهه جنوبی (اطلس جنگ تحمیلی عراق علیه ایران)

ب) جبهه مرکزی

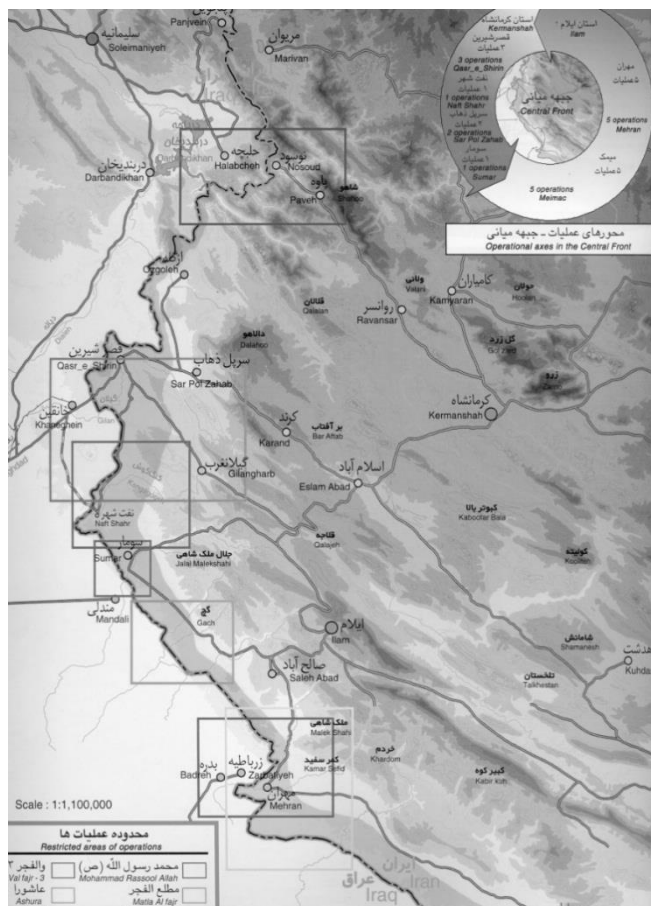
جبهه مرکزی، شامل استانهای ایلام و کرمانشاه بود و معبر وصولی مهم قصر شیرین - سرپل ذهاب - کرمانشاه در آن قرار داشت. دستیابی عراق به ارتفاعات این منطقه، خط دفاعی مطمئنی برای بغداد بود. موقعیت مرزی کرمانشاه با عراق، از یک سو (شرق) متکی به ارتفاعات متوالی و منظم و از سوی دیگر (غرب) متکی به جلگه کم عارضه و بلامانع بین النهرین است. از ویژگی های عملیاتی این بخش این است که براحتی می توان از این منطقه به داخل خاک عراق نفوذ کرد. بنابراین، این منطقه مبدا عملیات آفندی به طرف غرب محسوب می شود (نامی و عزتی، ۱۳۹۱: ۲۶۴). در منطقه ایلام (پشتکوه) نیز بهترین سد کوهستانی ایران قرار دارد. شاید بتوان گفت که هدف عراق در این جبهه، تسلط بر خطوطی بود که دفاع بهتر از بغداد را به دنبال داشته

باشد (نامی و عزتی، ۱۳۹۱: ۲۷۵). همچنین گسترش و عمق بخشیدن به مناطق تعرضی و تسلط بر نقاط حساس، هدف دیگر عراق در جبهه میانی بود. صدام در اردیبهشت سال ۱۳۶۱ اهمیت این منطقه را چنین تشریح کرد: «مسافت مستقیم (هوایی) میان بغداد و مرز، در حدود ۱۲۰ کیلومتر است. بنابر این، سستی ما که باعث پیش‌روی آن‌ها می‌شود، بغداد را در تیررس توپخانه ایران قرار خواهد داد» (<http://www.maaajed.net>). شاید بتوان ادعا کرد که راهبردی‌ترین منطقه مرزی برای ایران که می‌توانست تهدید فراوانی را متوجه عراق کند، همین منطقه بوده است. این قسمت در مهم‌ترین بخش مرز، یعنی پیش‌رفتگی قصر شیرین قرار داشت که به عمق ۲۵ و عرض ۵۰ کیلومتر در خاک عراق قرار دارد (نامی و عزتی، ۱۳۹۲: ۲۶۵). بنابر این، هم شرایط جغرافیای طبیعی در دو طرف مرز به سود ایران بوده و هم از جنبه جغرافیای انسانی، ایران مزایای متعددی برای انجام حملات نظامی به عراق داشته است. عمده عملیات‌های نظامی ایران علیه عراق در این جبهه، به شرح جدول ۲ است.

جدول ۲: مهم‌ترین عملیات جنگی نیروهای ایران در رویارویی با تهاجم عراق در جبهه مرکزی

نام عملیات	تاریخ عملیات	منطقه نبرد	نتایج عملیات
عملیات کربلای ۱	۹ تیر تا ۱۹ ۱۳۶۵	ارتفاعات قلاویزان تا شهر مهران	بازپس‌گیری شهر مهران و ارتفاعات راهبردی قلاویزان و حمیرین - آزادسازی جاده دهلران به مهران - آزادسازی دو پاسگاه مرزی.
عملیات کربلای ۶	۲۴ دی ۱۳۶۵	شهر نفت‌شهر و شمال شهر سومار	نیروهای ایرانی در آزادسازی شهر نفت‌شهر ایران و شهر نفت‌خانه عراق شکست خوردند.

آمار نشان می‌دهد که ایران، کمترین حجم عملیات سنگین نظامی خود را از این منطقه داشته است؛ در حالی که چنانچه بیان شد، هم عراق در این نقطه بسیار آسیب‌پذیر بوده و هم ایران مزیت‌های نظامی درخور توجهی داشته است.



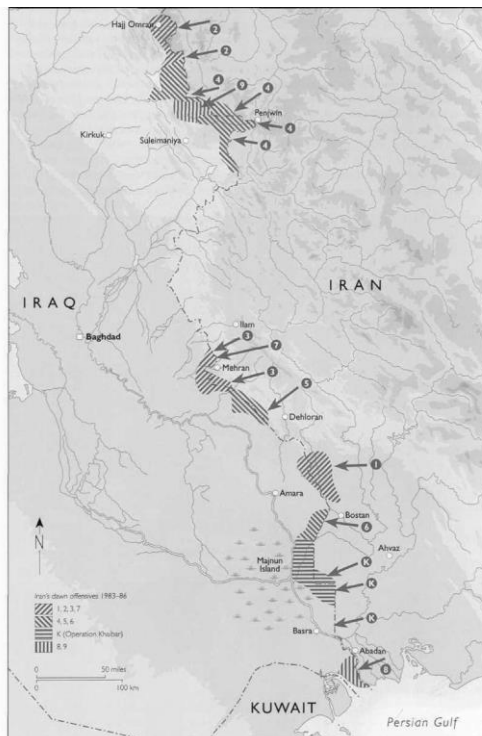
نقشه ۴: محدوده برخی از مهم‌ترین عملیات‌های نیروهای ایرانی در جبهه مرکزی

ج) جبهه شمالی

این جبهه، نوار مرزی کردستان و قسمتی از آذربایجان غربی را دربر می‌گرفت. با توجه به وضع کردستان ایران، عراق احتمالاً توانایی نفوذ در این منطقه را نداشت، اما ناچار به ورود به آن شد. در هر صورت، بخش قابل توجهی از نیروهای عراق (سپاه اول) در این جبهه مستقر بودند. روزنامه لوموند در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۷ می‌نویسد: «شاه حسین (اردنی) به عراق پیشنهاد کرده نیروهای خود را جایگزین آن عده از ارتش عراق نماید که در شمال این کشور در مناطق کرکوک، سلیمانیه و اربیل مشغول جنگ با مخالفین دولت بعث هستند» (<http://www.e-resaneh.com/articlefiles>).

جدول ۳: مهم‌ترین عملیات نیروهای ایران در رویارویی با تهاجم عراق در جبهه شمالی (دری، ۱۳۸۳)

نام عملیات	تاریخ عملیات	منطقه نبرد	نتایج عملیات
والفجر ۴	۲۷ مهر تا ۳۰ آبان ۱۳۶۲	پنجوین	طی این عملیات، ۷۰۰ کیلومتر مربع از خاک عراق به تصرف نیروهای ایرانی درآمد.
قادر	۲۴ تیر تا ۱۸ شهریور ۱۳۶۴	سیدکان	ایران در این عملیات ناکام ماند و طی دو ماه، سه بار در تصرف منطقه شکست خورد و در پایان، دستور توقف عملیات صادر شد.
کربلای ۱۰	۲۵ فروردین تا ۵ اردیبهشت ۱۳۶۶	محور بانه- سردشت- ماووت	پیش‌روی کند نیروهای ایرانی در راه‌های سخت‌گذر منطقه- ناکامی در تحقق نیمی از اهداف اولیه عملیات- پیش‌روی ۳۴ کیلومتری در خاک عراق- زمین‌گیری نیروهای دوطرف در ارتفاعات شاخ‌گولان.
بیت‌المقدس ۲	۲۵ دی تا ۲ بهمن ۱۳۶۶	ارتفاع قمیش- سلیمانیه- ماووت	نخستین عملیات ایران در زمستان بود که در جهت امتیازگیری برای پایان جنگ، پیروزی نسبی را به همراه داشت- تصرف ارتفاعات قمیش، ویولان و تنگه گوجار دستاوردهای این عملیات بود.
والفجر ۱۰	۲۴ تا ۲۹ اسفند ۱۳۶۶	حلبچه- سلیمانیه	آخرین عملیات نظامی ایران بود که از جانب فرماندهان، به عنوان آخرین ضربه به ارتش عراق در جهت پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ شناخته می‌شود. این عملیات با موفقیت کامل همراه شد و شهرهای حلبچه، دوجیله و خورمال به تصرف نیروهای ایرانی درآمدند- محاصره شهر سلیمانیه عراق- بمباران شیمیایی شهر حلبچه عراق از سوی رژیم بعث.
مرصاد		استان کرمانشاه	شکست کامل عملیات «فروغ جاویدان»- عقب‌راندن نیروهای مهاجم به پشت مرزهای بین‌المللی- کشتن ۲۰۰۰ تن و دستگیری ۲۵۰ تن از اعضای سازمان منافقین- انهدام ۴۰۰ دستگاه انواع وسایل نقلیه ارتش عراق که در اختیار نیروهای مهاجم قرار داشت.



نقشه ۵: محدوده کلی عملیات‌های جنگی نیروهای ایرانی (کرش، ۲۰۰۲: ۴۷)

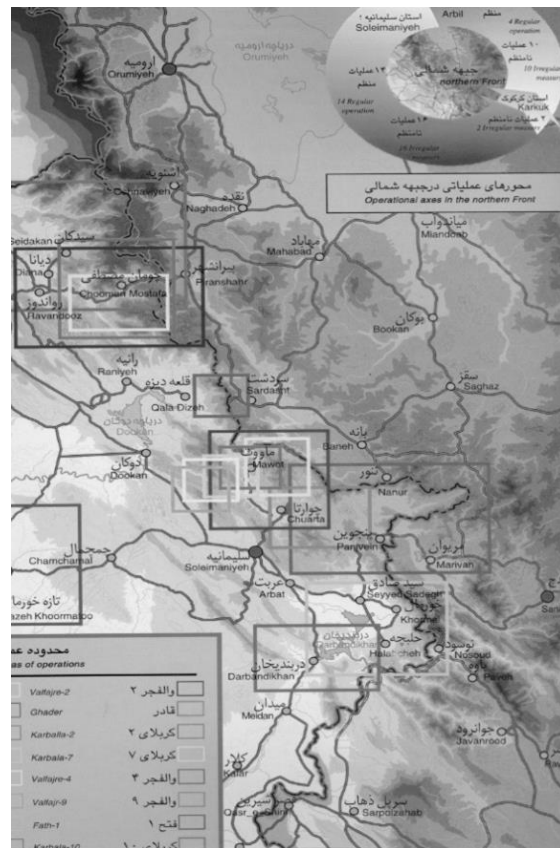
د) جنگ‌های شهری

«جنگ شهرها» یکی از اصطلاحات مربوط به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (۱۳۵۹-۱۳۶۷) است. در طول جنگ، عراق مبادرت به حمله به مناطق مسکونی ایران می‌کرد. این عمل که اولین بار از سوی عراق انجام گرفت، با پاسخ قاطع ایران به مراکز نظامی و صنعتی مواجه شد. به همین منظور عراق که آغازکننده این نبرد بود، با واکنش ایران، مجبور به دست کشیدن از بمباران شهرهای ایران شد.

سه عامل اصلی باعث عقب‌نشینی عراق از حملاتش به شهرهای ایران شد:

۱. پدافند هوایی پیشرفته و قدرتمند ایران که مانع نفوذ هواپیماهای جنگی عراق به داخل مرزهای ایران بود؛
۲. خلبانان ماهر ایرانی که در ضد حملات، با لحاظ نمودن تمامی قواعد حقوق جنگ، حداکثر تلفات و خسارت را به عراق وارد می‌آوردند؛

۳. نزدیک بودن شهرهای مهم و راهبردی عراق به نوار مرزی با ایران و دور بودن شهرهای مهم ایران از مرز مشترک. به‌عنوان مثال، بغداد به‌عنوان مهم‌ترین شهر سیاسی عراق، تنها ۱۵۰ کیلومتر تا خاک ایران فاصله داشت؛ در حالی که تهران، در فاصله ۶۰۰ کیلومتری از مرز عراق قرار داشت. این بدان معنی بود که مهم‌ترین شهرهای ایران خارج از بُرد ۳۰۰ کیلومتری موشک‌های اسکاد عراق قرار داشتند. با خرید همین موشک توسط ایران از کره شمالی، وضعیت برای عراق بدتر هم شد و صدام حسین ترجیح داد حملاتش را به شهرهای ایران پایان دهد (بولاک، ۲۰۰۲: ۲۱۵).

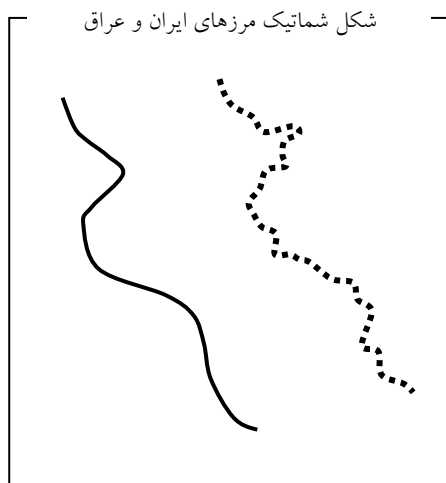


نقشه ۴: محدوده برخی از مهم‌ترین عملیات‌های نیروهای ایرانی در جبهه شمالی

1. Bollack

تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

در بخش یافته‌ها و اطلاعات، به برخی ویژگی‌های راهبردی مرزهای ایران و عراق اشاره شد. چنانچه شکل ذیل نشان می‌دهد، مرز ایران و عراق شکل هندسی خاصی دارد و از تحدب و تعقر قابل ملاحظه‌ای برخوردار است.



از دید راهبردی، نقاط محدب موجود در مرزها، یکی از بهترین نقاط برای انجام عملیات جنگی علیه طرف مقابل است. مرز ایران و عراق در قسمت شمالی و جنوبی، به سمت ایران تورفتگی یا تحدب دارد و در بخش میانی به سمت عراق. از قضا در بخش میانی، فاصله ایران از پایتخت عراق نیز در حداقل فاصله قرار دارد و به عبارتی، مهم‌ترین شهر عراق در تیررس آسان نیروهای ایران است. بنابر این، آسیب‌پذیرترین نقطه عراق در خطوط مرزی از سمت ایران، بخش میانی است. برعکس، از جنبه ویژگی‌های طبیعی - نظامی برای عراق، بهترین موقعیت حمله و دفاع، جبهه جنوبی است؛ چرا که این قسمت، از دشت‌های کم ارتفاع تشکیل شده است که در بیشتر بخش‌های آن، عرب‌زبانانی ساکن‌اند که البته به گمان نادرست صدام و مقامات نظامی آن زمان عراق، می‌بایست از نیروهای عراق پشتیبانی کنند.

علاوه بر این، این بخش از مرزها دربردارنده بیشترین منابع انرژی ایران بود که به همین دلیل و البته به دلیل ویژگی‌های مساعد کشاورزی و دامپروری، از تراکم جمعیت بالایی برخوردار است و یکی از مهم‌ترین کانون‌های صنعتی و سکونت‌گاهی ایران به‌شمار می‌آید و بنابراین، از نقاط آسیب‌پذیر ایران است. همچنین در حالی که قسمت‌های شمالی و مرکزی سرزمین‌های داخلی ایران

از رشته‌کوه‌های کم و بیش مرتفعی تشکیل شده که هم حرکت نیروها را کند کرده است، هم انجام عملیات جنگی را برای نیروهای عراقی با مشکل مواجه می‌کند؛ بخش جنوبی، سرزمین‌های کم ارتفاعی است که هر چند در برخی نقاط باتلاقی است، اما در هر صورت، ورود به داخل ایران از این نقطه راحت‌تر است. شاید همین مزیت‌های جغرافیای نظامی بوده است که نیروهای نظامی و راهبردهای عراق را به این نتیجه رسانده بود که بیشترین حجم عملیات جنگی خود را از سمت جنوب سازماندهی و هدایت کنند.

در جبهه شمالی نیز جغرافیای نظامی تا حد زیادی به سود ایران است. بخش عمده‌ای از منابع انرژی و نفت عراق در استان موصل قرار دارد که با این منطقه هم‌جوار است. بنابراین، یکی از آسیب‌پذیرترین نقاط مرزی عراق در مقابل ایران، همین منطقه است. از سوی دیگر، بخش زیادی از ساکنان این منطقه، از جنبه فرهنگی و نژادی، نزدیکی بیشتری با ایران دارند. به گفته بسیاری از پژوهشگران، کردزبانان (همچنان که شواهد تاریخی نیز نشان می‌دهد) خود را از نژاد آریایی می‌دانند و زبان آن‌ها نیز جزء زبان‌های ایران به حساب می‌آید. در طول جنگ نیز روایت‌های بسیاری از همراهی کردزبانان با نیروهای ایران گزارش شده است.

نتیجه اینکه، عراق به‌عنوان آغازکننده جنگ که ابتکار عمل نظامی را در اختیار داشت، تا حد زیادی با در نظر گرفتن اصول و بنیان‌های جغرافیای نظامی، جنگ را آغاز و از دید خود، از مناسب‌ترین نقطه به ایران حمله کرده است. ایران نیز که ابتدا صرفاً راهبرد تدافعی داشت و از پیش‌روی ارتش عراق پیش‌گیری می‌کرد، در ادامه و زمانی که ابتکار عمل جنگ را در اختیار گرفت، حرکت چندان مؤثری برای تغییر جبهه نبرد و انتقال آن به جبهه شمالی و به‌خصوص مرکزی، که نقطه آسیب‌پذیر عراق محسوب می‌شود، نداشت. در واقع، در بخش عمده‌ای از زمان جنگ تحمیلی، نیروهای ایرانی در جبهه جنوبی متمرکز بودند و حداکثر توان خود را برای مقابله با عراق و پیش‌روی احتمالی در سرزمین‌های این کشور در جبهه جنوبی قرار داده بودند.

فهرست منابع

۱. ازغندی، علیرضا و جلیل روشندل (۱۳۷۸)؛ مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، تهران، سمت.
۲. بررسی‌های نظامی (۱۳۷۰)؛ «مروری بر تهاجمات عراق در جنگ تحمیلی»، بررسی‌های نظامی، ش ۶ (تابستان).
۳. درویشی، فرهاد (۱۳۸۸)؛ «چند مسئله راهبردی / بررسی استراتژی نظامی عراق در جنگ با ایران (۶۷-۱۳۵۹)»، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس: <http://www.dsrc.ir/view/article.aspx?id=716>

۴. درزی، حسن (۱۳۸۳): «اطلس راهنما ۵»، کارنامه نبردهای زمینی، مهدی انصاری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چ دوم.
۵. درزی، حسن (۱۳۸۱): «هجوم سراسری- جبهه جنوبی»، کارنامه نبردهای زمینی، مهدی انصاری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۶. سامرای، وفیق (۱۳۷۷): «ویرانی دروازه شرقی، ترجمه عدنان فاروقی، تهران، مرکز فرهنگی سپاه.
۷. فارسی، جلال‌الدین (۱۳۶۳): «استراتژی ملی، گزارش سمینار، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۸. کالینز، جان ام. (۱۳۸۳): «جغرافیای نظامی، ترجمه عبدالحمید حیدری و همکاران، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۹. نامی، محمدحسن و عزت‌الله عزتی (۱۳۹۱): «تحلیل ژئوپلیتیک مرز ایران و عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی، تهران، داناپناه.
۱۰. نامی، محمدحسن و علی محمدپور (۱۳۸۷): «جغرافیای کشور عراق با تأکید بر مسائل ژئوپلیتیک، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۱. صفوی سیدیحیی (۱۳۸۴) اصول و مبانی جغرافیای نظامی، ناشر: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

12. Bollack, Kenneth M. (2004). **Arabs at War: Military Effectiveness, 1948-1991 (Studies in War, Society, and the Militar)**, University of Nebraska Press.
13. Glassner, Martin Ira (1993). **Political Geography**, New York, John Wiley & Sons, INC.
14. Karsh, Efraim (2002). **The Iran-Iraq War 1980-1988**, Osprey Publishing Ltd. Great Britain.
15. Sokolovsky, V.D. (ed.) (1983). **Military Strategy: Soviet Doctrine and Concepts**, London, Pall Mall Press.
16. <http://old.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsId=23356>
17. <http://www.e-resaneh.com/articlefiles> «آمادگی برای حمله در سه جبهه»
18. <http://www.ngdir.ir>